



### بازخوانی اسطوره شناسانه «جدایی» در خانه برگرفته از تئوری «در آستانه»\*

حانیه سادات زنده‌باد، دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

[h.s.z.architect@gmail.com](mailto:h.s.z.architect@gmail.com)

\* محمد منصور فلامکی، استاد گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

[mansour.falamaki1313@gmail.com](mailto:mansour.falamaki1313@gmail.com)

عبدالکریم رشیدیان، دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

[a-rashidian@sbu.ac.ir](mailto:a-rashidian@sbu.ac.ir)

شادی عزیزی، استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[shadiazizi@gmail.com](mailto:shadiazizi@gmail.com)

1

#### چکیده

در این تحقیق تلاش شده است تا نخست مبانی‌اندیشی خانه با عنایت به نقش آن در فهم فضای معماری معاصر، از حیث دقت سینماتیک تشریح گردد تا بتوان به استناد آن به باز-اندیشی آستانه‌ها در معماری پرداخت. خوانش انتقادی متون ماحصل یک دیدگاه دگراندیش از بنیان تاریخ فلسفه است، به موازات ورود به دامنه اکسپرسیونیستی دیگر هنرها از جمله سینما در فرمالیسم معماری نیز پدیدار می‌گردد. در این پژوهش از زاویه دید تفاوت، اثری هنری (فیلم جدایی ساخته اصغر فرهادی) با محوریت فراموشی نهاد خانه و خانه-واده مورد نقد قرار گرفته شده است. مسأله‌ی محقق در تدوین این خوانش بینارشته‌ای، گریز از این نوع دریافت با پیوستار به فهمی سینماتیک از فضاهای آستانه‌ای در سینما دارد. که سعی بر آن شد تا به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان گشودگی در آستانه خانه را براساس نسخه‌ای سینمایی در خانه-واده‌ی در آستانه جدایی در یک پژوهش هنری، مورد کاوش قرار داد؟ با این تاکید که در زیرمتن این واکاوی نشانه شناسانه، ضرورت تعمیق ظرفیت‌های طراحی معماری با هدف گریز به مبانی تئوری هویت ساز با کاوش در مدخل خانه آغاز شد. این تحقیق از نظر فرآیند اجرا واجد شرایط پژوهش‌های کیفی انتقادی است. روش‌شناسی تحقیق برگرفته از مبانی دیکانستراکشن یا ساختارگشایی است. منطق اجرای پژوهش ابداکسیون است. از نظر زمان یک پژوهش تاریخی، گذشته‌نگرانه است. از نظر هدف، پژوهش استفهامی با سطح تحلیل انتقادی و با باور آزاد پژوه است. ماحصل یافته‌ها و نتیجه آنکه در یک باز-آفرینی خلاق، موجبات هم‌اندیشی و گفتمان علوم انسانی با هنر و معماری گشت. بنابراین معماری خانه‌ی مطلوب، زمانی محقق خواهد شد که بارور ساختن پرداختی آستانه‌ای و هویت‌ساز را در تعمیم فضاسازی خانه‌های معماری

<sup>1</sup> این پژوهش برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان فهم آستانه در معماری بر اساس دیفرانس دریدا با راهنمایی دکتر محمد منصور فلامکی\* (نویسنده مسئول) و دکتر عبدالکریم رشیدیان و مشاوره سرکار خانم دکتر شادی عزیزی می‌باشد.



# یازدهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۰ دی ۱۴۰۳ - تهران

ISC<sup>CM</sup>  
International Science Citation Center



OxfordCert  
UNIVERSAL

معاصر، فرهنگ پایبندی به کانون خانه و خانواده لحاظ سازد. این رهیافت، به ویژه پس از بحران کرونا در رویکرد به خانه برگشتن در پژوهش‌های بینارشته‌ای در ایران و جهان تعمیق بیشتری یافته است.

**کلمات کلیدی:** پژوهش میان رشته‌ای، معماری، سینما، خانه، آستانه

## مقدمه

اصل اول بیان مساله همان اتمسفر و امکان در مکان - لوکیشن - میزاسن<sup>۳</sup> معماری و تجربه‌ی زیسته کنشگرانی است که با حضور و ادراک و اشراف انسانی، معنا می‌یابند. بدون توجه به این شاخصه، گویی چنان خواندن کتابی شاهکار، تنها به روایت<sup>۴</sup> انحصاری شخص مؤلف اثر در آن اکتفا کنیم. اما خوانش هر متن نه تنها منحصر به ذات نویسنده نیست، بلکه برگرفته از خواستی مدنی و فرهنگی به تعدد خوانشگران متکثر و بی‌شمار است. ادب اجتماعی و مقوله‌ی انسانی و محیط، برگرفته از نا-روایتی تاریخ مند است. چنان تصویری<sup>۵</sup> که در گذر از تصاویر می‌زید. با به دوش کشیدن کلوزاپ یا لانگ شاتی<sup>۶</sup> از پرتره‌های انسانی به مثابه زمان و مکان و ژرفا در شهر. شهرهایی که خود یک پرتره نگاری کامل‌اند.

2

به طور کلی اهمیت موضوع رابطه‌ی معماری با دیگر رشته‌ها بر پایه مناسبت جمعی و دگراندیشی، لکن منحصر به فرد بودن و شکل گرفته در چارچوب معین مرزها و آستانه‌ها است. اما معماری به طور مثال عبارت است از معماری. به دلیل آنکه نقاشی یا پیکره تراشی هم نیست. ولیکن ماهیت این نوع مرزها در میان رشته‌ها، متضمن باز-اندیشی است و بنابر نوین بودن طرح این مساله و نداشتن ادبیات و پیشینه تحقیق در ایران، اجتناب از بررسی شیوه‌هایی که در آن وساطت سایر رشته‌ها مورد اغماض قرار می‌گیرد، عبارت است از نادیده گرفتن کل مساله و پرسمان معماری.

حال، با این فرض که سینما به عنوان پدیده هنری متأخر که از مصادیق تکنولوژی معاصر است و نیز در بردارنده‌ی ادبیات مکتوب است که رابطه‌ی فلسفی میان امری نوشتار با گفتار<sup>۷</sup> می‌باشد، در این بین، می‌تواند بر گشایش مبدع و رهیافت‌های نوینی از مفاهیم معماری، راه گشا باشد.

در این حین موتیف‌های شاخصی که از پارادایم‌های نافذ بر می‌خیزد، چنان روایت تصویر که به مثابه پرتره‌هایی از جنس انسان‌ها و در لایه‌ای وسیع‌تر پرتره‌های شهرگون، در گذر و گذار از درب‌ها، پله‌ها، دیوارها و پل‌ها می‌زید و نیز تصویری<sup>۸</sup> که حرکت را وام‌دار است و زمان و مکان در بُعدی فراتر از بُعد سوم را که به انضمام ژرفاست، در مراجعه و پیرامون دارد. با بررسی تحلیلی سینمای مؤلف در راستای موج نوی فرانسه<sup>۹</sup> و اکسپرسیونیسم آلمان<sup>۱۰</sup> در سینمای تغزلی<sup>۱۱</sup> و نیز رمانتیسم<sup>۱۲</sup> در ادبیات و با همزمانی تحلیلی

<sup>2</sup> Atmosphere

<sup>3</sup> Place, Locality, Mise - En- Scene

<sup>4</sup> Narrative

<sup>5</sup> Imagination

<sup>6</sup> Close- up, Long shot

<sup>7</sup> Parole

<sup>8</sup> New Wave in France

<sup>9</sup> German Expressionism

<sup>1</sup> Poetic Cinema <sup>0</sup>

<sup>1</sup> Romantisme <sup>1</sup>



# یازدهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۰ دی ۱۴۰۳ - تهران

ISC<sup>CM</sup>  
International Science Citation Center



OxfordCert  
UNIVERSAL

نشانه‌شناسانه<sup>۱</sup> با تمرکز بر اسطوره‌شناسی رولان بارت و نیز یافته‌هایی بینامتن از اسطوره‌ی والتر بنیامین<sup>۲</sup> در شهر و نیز تاکید بر مبانی مهم زیرمتنی از جمله الغای بردگی<sup>۳</sup> زنان محوری، وحدت‌گرایی<sup>۴</sup> و عام‌گرایی<sup>۵</sup> که این همه اشاراتی است در ذیل تئوری آستانه، پیرامون معماری و دیگران. این مهم دربردارنده‌ی اهداف از کلیات طرح پیش رو است که در این فرصت از نگاه خوانش مصداقی به فیلم جدایی نادر از سیمین اثر اصغر فرهادی بسنده می‌کند.

## روش‌شناسی تحقیق

خوانش انتقادی، رهیافتی برگرفته از یک شیوه/ استراتژی با نام دیکانستراکشن است. که این تفاوت با هدف گشایش فصلی نو در روش‌شناسی تحقیق‌های بینارشته در علوم انسانی با مبانی هنرها، درست از درونیت فهم ماهوی انتقادی تحقیق برخاسته است. روش‌شناسی فوق در پژوهش حاضر مقدمه‌ای برای کاوش در دانش افزایشی مطالعات تطبیقی بینارشته است. شروع این تلاش، متضمن تدوین دستگاه منسجمی از مطالعات راهبردی برای هموار ساختن موانع مسیر پرفراز و نشیب همراهی میان قلمروهای فکری است. در فرآیند تجزیه و تحلیل با استراتژی تحقیق، ابتدا، هر کانسپت نقطه‌ای در مرکز بحث در ردگیری پیشینی آن شناخته می‌شود. گریز از نقطه کانونی، طرح مساله می‌شود. سپس به شیوه ابداسیون از داده متنی، فرضی نو ساخته می‌شود. نقاط ضعیف شده، دورافتاده و سست انگاشته شده در سنت خوانش در تعلیق/ ضربدر/ اپوخه/ پرانتز/ گیومه گذاشته می‌شود. به امکان‌های زایشگر در قطب دیگر تقابل‌های دوتایی، پرداخته می‌شود. در نهایت امر که در چرخه است، پاره پاره شدگی/ فرگمنتال، به تریلوژی و بیش از آن مشابه سازی می‌شود.

ضمن دوری جستن از انتقاد به رویکردهای تحلیلی کیفی رو به پوزیتیویستی، در کنار تاکید به بازبینی روش‌های نوین مبتنی بر خلق، برگرفته از ریشه پوئیس فلسفی آن، با توجه به خلا پژوهش‌های کیفی نو در حوزه مطالعات مرتبط با علوم انسانی در معماری و پژوهش هنر، پژوهشگر می‌توانست از میان انواع روش‌شناسی تخصصی رویکرد اثبات‌گرا برگزیند و برمبنای نزدیکی به یک سوگیری تبیینی در علوم مثبت و منتظم و تیم سازی متغیرمدار، روش تحقیق خویش را انتخاب کند. یا با ورود به پارادایمی دیگر از پژوهش‌های اکتشافی کیفی داده بنیاد یا میکس شده به رویکردهای آنالیتیک و سیستماتیک را داشته باشند. و مقولات و طبقات را با عینک عینی‌سازی پشتیبانی کرده و با محدود ساختن ارزش‌های ذهنی پژوهشگران، به نفع شاخص‌های تعریف شده‌ی بیشتر آشکار و کمتر مکتوم و پنهانی و قاعده‌مند در جامعه‌ی آماری خبرگان انتخابی، مضمون سازی کنند. ایده اساسی این تحقیق برخلاف فرموله کردن با معیار و ملاک تعریف سازی است. و این نوع از انواع پژوهش در روش‌شناسی کیفی همانا پرداخت اسنادی به محتوای متون نوشتاری است.

گرچه دیکانستراکشن را نمی‌توان زیر مجموعه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با فرآیند تفسیری نیز نامید و این همان چالش معماگونه است. که ماجراجویی و خلاقیت این استراتژی آموزشی- پژوهشی در رشته‌های مرتبط با فلسفه هنر را نمی‌توان آنچنان شفاف و روشن به خوبی الفبای روش سیستماتیک روشن سازد. اما از نظر فرآیند پژوهش، این شیوه از تحقیقات نوین، واجد شرایط پژوهش‌های

<sup>1</sup> Semiology 2

<sup>1</sup> Roland Barthes & Myth<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Walter Benjamin- Myths<sup>4</sup> & Metropolis

<sup>1</sup> Abolitionism 5

<sup>1</sup> Unitarianism 6

<sup>1</sup> Universalism 7

<sup>1</sup> Threshold theory 8



کیفی می‌باشد. منطق استدلال و اجرای پژوهش آن نیز Deductive و اینداکتیو Inductive، رتروداکتیو/پس‌کاوی Retroductive دارای ابداکسیون است. از نظر زمان پژوهش پرداختی گذشته‌نگرانه است. نتایج پژوهش نیز در سه‌گانه بنیادین Fundamental، کاربردی Applied یا توسعه دهنده Developmental، فاندamental است. هدف پژوهش، تحلیلی Analytical توصیفی Descriptive اکتشافی Exploratory و Explanatory نیست. بلکه بر پایه معما، پازل و خلق و استفاده است. از آنجا که در روش کیفی داده‌ها، کلمه‌اند، روش گردآوری اطلاعات، اسنادی است. با برنامه طرح تحقیق پیشنهادی، موکدن نگاه پژوهشگر، فرا ابزاری است و گویی اطلاعات از طریق ابزاری انسانی (فردی و جمعی) جمع‌آوری می‌شود.

جدول ۱- رویکرد استنتاجی، ترجمه: نگارنده، منبع (موسکوسو، ۲۰۱۹)

| رویکرد استنتاجی | عملیاتی‌سازی                                     | هدف                         |
|-----------------|--|-----------------------------|
| نظریه/فرضیه     | چارچوب نظری پیشینی                               | پیشنهاد یک رابطه نظری-تجربی |
| مطالعه تجربی    | روش‌شناسی بر مبنای نظریه و مرتبط با بافتار تجربی | یافتن علائم آن رابطه        |
| تأیید/رد        | تفسیر و استدلال به سود فرضیه/نظریه               | اثبات سازگاری نظریه/فرضیه   |

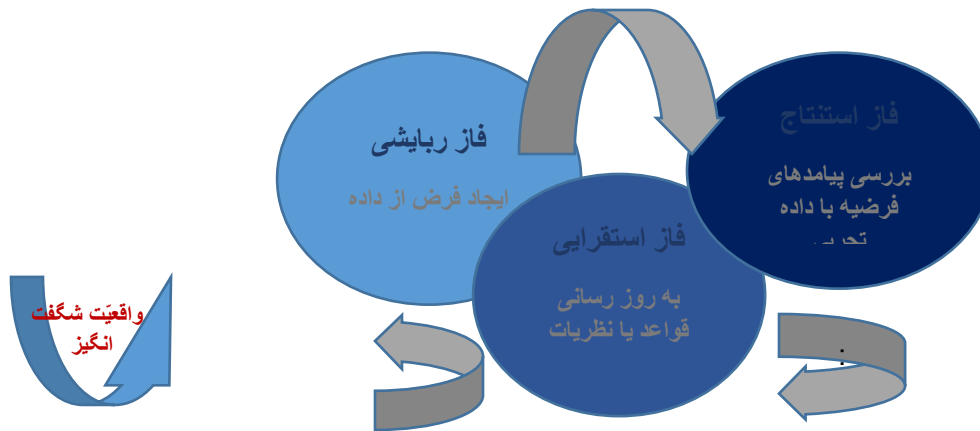
4

جدول ۲- رویکرد استقرایی، ترجمه: نگارنده، منبع (موسکوسو، ۲۰۱۹)

| رویکرد استقرایی    | عملیاتی‌سازی                          | هدف  |
|--------------------|---------------------------------------|--|
| مطالعه تجربی       | روش‌شناسی در دنیای تجربی ساخته می‌شود | تعیین علائم مسیر                                     |
| تحلیل/تنظیم واقعیت | تفسیر و شناسایی مولفه‌های جامع/تبیینی | یافتن روابط منطقی که پدیده‌ها را به هم مرتبط می‌کنند |
| نظریه/فرضیه        | چارچوب نظری پسینی                     | بنا نهادن یک تبیین به صورت فرضیه/نظریه               |

جدول ۳- رویکرد بسط دهنده‌ی ربایشی، ترجمه: نگارنده، منبع (موسکوسو، ۲۰۱۹)

| استنتاج | تبیینی یا تحلیلی (پوزیتیویستی) |                     |
|---------|--------------------------------|---------------------|
|         | استقرا                         | بسط‌دهنده یا ترکیبی |
|         | فرضیه (استدلال ربایشی)         | استنباط             |



مدل ابداعات سیون، ترجمه و اقتباس: نگارنده بر اساس منبع: (موسکوسو، ۲۰۱۹)

## بحث

سطح یا نقطه‌ای که در آن شروع به تجربه می‌کنید. یا در آن چیزی اتفاق می‌افتد، در آستانه است.

5

معماری نه در ذات خود و نه در برداشت‌هایی که به دست می‌دهد، یک کلیت نیست: این نکته را به این معنا می‌گیریم که هر بخشی از فضای فراگیر معماری، خود، سخنی معمارانه است که در مقیاس‌هایی متمایز و مکمل، می‌تواند جامعیت یک اثر معمارانه را بنمایاند. ما نیاز به آن داریم که نکته‌ی اصولی پیش‌گفته را، به قید تمثیل بیاوریم تا مگر بتوانیم بار نظری آن را کاهش دهیم (فلامکی، ۱۳۹۹، ۱۴۹).

مفهوم‌سازی فضاهای آستانه‌ای با گسترش حدود مرزی، تنها محدود به مقیاس معماری در بُعد ساختمان نیست. چنان که هم نماینده‌ی مرزهای مادی داخل و خارج است که گویی همگان در کلیتی نهایی به آستانه مبدل می‌شوند و همچنان می‌توانند فراتر روند تا مرزهای خصوصی و عمومی و نیمه خصوصی را در برگیرند. دیوار، شیشه، مرز، مشخصاً در معماری علاوه بر حضور ماده در آن، هر ناظری را که از دهانه‌هایش گذر می‌کند، متأثر می‌سازد. لذا پیچیدگی و فراگسترده‌ی این مفهوم تا آنجاست که نه تنها در سطح فیزیکی بلکه موقداً در هر امر هویت‌ساز روان‌شناختی و به عنوان رکن مفهومی و فلسفی درک می‌شود. گویی که ویژگی‌های هر جزئی از خویش را سه بعدی می‌سازد. این رهیافت در گذار از فضاها یا بهتر است بنویسیم بین فضاها صورت می‌پذیرد. تا آنجا که آستانه، خودش یک آستانه می‌شود. هدف برجسته‌سازی ساحت کلیت فیلم به عنوان گذار از لایه‌ای از فهم به لایه‌ی دیگر است و نیز روایت لایه‌هایی موازی و درون‌ساختاری است. در این حین، نشانه‌شناسی معماری به عنوان یک چارچوب مشارکتی و زمینه‌ای در راس موارد است. اهمیت نقش پناهندگی رفتاری آستانه‌ها در گذر از هشتمی‌های آسمانه‌های رواق‌خانه‌های سنتی تا دیوارها و دیوارها در آپارتمان‌های مدرن، همگی من جمله از مصادیق گذار آلت. بنابراین با ایجاد فریم‌های متنی در نشانه‌ها می‌توان مسایل رفتاری را تحلیل کرد.

1 فلامکی: تئوریسین

2 transition

نشانه‌شناسی بنا بر تعریف امبرتو اکو<sup>۱</sup> نشانه شناس با هر چیز که بتواند نشانه قلمداد شود سر و کار دارد. موتیف، زاییده‌ی تکرار است. در فیلم‌های فرهادی این نشانه‌ها بارها تکرار می‌شوند. معماری روایت فرهادی، غیر روایی است. مرگ مولف است. زنده شدن متن به بهای تولد خواننده/ تماشاگر است. شخصیت‌پردازی کرکترها، همگی آستانه پذیراند. سینمای مولف است نه اقتباس‌پذیری صرف. فیلم نامه/متن محور است تا بازیگر محور.

حال طبق نظریه بازی‌ها می‌خوانیم:

مهره‌های شطرنج کدگذاری شده‌اند، آن‌ها طبیعتی درونی یا خواصی ذاتی دارند که حرکت‌شان، موقعیت‌شان و رویایی‌شان از آن ناشی می‌شوند. آن‌ها کیفیت‌های ثابتی دارند، سوارسوار، پیاده پیاده، و اسب اسب باقی می‌ماند. هر کدام سوژه حکمی هستند که از قدرتی نسبی برخوردار است: و این قدرت‌های نسبی خود را در یک سوژه حکم، خود بازیگر شطرنج یا شکل درون‌بودگی بازی ترکیب می‌کنند. بر عکس مهره‌های بازی گو، دانه‌ها، قرص‌ها، واحدهای ساده‌ی حسابی‌اند و هیچ نقشی جز نقشی ناشناس، جمعی یا سوّم شخص ندارند: «او» پیش می‌رود... دری بسته را برای خود توزیع کرد و بنابراین، از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر رفت و بیش‌ترین جاها را با کم‌ترین مهره‌ها اشغال کرد. در گو باید خود را در فضایی گشوده توزیع کرد، فضا را گرفت، امکان ظاهر شدن در هر نقطه را برای خود حفظ کرد: حرکت دیگر از نقطه‌ای به نقطه‌ای نمی‌رود، بلکه دائمی می‌شود، بدون هدف یا مقصدی، بدون عزیمت یا رسیدنی. فضای «هموار» گو یعنی آن را قلمروگذاری و قلمروزدایی می‌کند در برابر فضای «شیاردار» شطرنج. ناموس گو در برابر دولت شطرنج، ناموس در برابر پولیس. شطرنج فضا را کدگذاری و کدزدایی می‌کند، درحالی‌که گو به گونه‌ای کاملاً متفاوت عمل می‌کند...<sup>۲</sup> (کهنون و رشیدیان، ۱۳۹۶، ۵۱۵).

نا-بازیگرها در تقابل ستاره‌های بورژوازی اند. پُر از معادله‌های مجهول پازل هیچکاکي<sup>۳</sup> است. فاصله‌گذاری و تفاوت به مثابه دراماتورژی در معماری است. آدم‌ها و فضاها پُر و خالی در خلا به انضمام هم رویدادهای فضایی را صورت می‌بخشند. دیوار، شیشه‌های تار و غیر شفاف به نشان ابهام، راهروهای طویل و تنگ و بن بست‌ها به نشان تنگناها در سکانس‌های نقطه عطف در فیلم مهم‌اند. سقوط از پله به نشان برده‌داری قشر ضعیف در جامعه است. خانه‌ها در طبقات، نشان از فاصله‌های آدم‌ها است. با میزانشن شلوغ نیز بر خلاف آثار مینیمالیستی در میزانشن به نشان پیچیدگی راز و رمزهای شخصیت‌ها روبرویم.



EUROARTS -AFilm and its Era: Une Séparation (Asghar Farhadi)

<sup>1</sup> Umberto Eco

<sup>2</sup> از کتاب مدرنیسم تا پست مدرنیسم

فضای ادبیات ادگار آلن پو در سینمای اقتباسی هیچکاکي و نیز فضای معمایی توام با دلهره و تعلیق در ادبیات گوتیک آگاناکریستی<sup>۳</sup>

### بینامتن نشانه‌شناسی اسطوره با معماری سینماتیک دنیل لیبسکیند

نخستین پرسشی که به پاسخ می‌رسد همان نگاهی است که چگونه و چرا رولان بارت، عناصر فرهنگی را اسطوره می‌داند و در پاسخ با این عبارت روبرو می‌شویم که همانا اسطوره نوعی گفتار است یا پیام و یا همان پیام مخدوش است. از نظر بارت همه چیز در زمانه‌ی ما می‌تواند رساننده‌ی پیام باشد. این زاویه دید از نگاه برآمده از تضاد در وی است. بنابراین او می‌خواهد این معنا را بازگون سازد.

«داشتن اصل چه معنایی می‌دهد؟» (Libeskiend, 2011)

چنین گفتاری یک پیام است و بنابر آن می‌تواند غیرگفتار نیز باشد. می‌تواند از نوشتار یا اشکال بیانگری تشکیل شود که نه تنها سخن نوشتاری بلکه هم چنین عکاسی و سینما، گزارش‌نویسی، نمایش و تبلیغات، همگی می‌توانند در خدمت گفتار اسطوره‌ای قرار گیرند. اما از آنجا که اسطوره، نظامی نشانه‌شناسیک است، بررسی آن جدا از زبان شناسی نیز نیست. اسطوره، نظامی خاص است، یعنی از زنجیره‌ی نشانه‌شناسی مشتمل است، که قبل از خود آن وجود داشته است. به عبارت دیگر نظام نشانه‌ی درجه‌ی دوم است. نه دالی تهی و مدلولی پر که بسته شود. بلکه مدلول در دل دال پنهان است و آشکاریتی در میان نیست. یا شاید هر دو آشکارند، یا که فقط وجهی تحریف شده‌اند. از نظر بارت، پیروزی بر اسطوره از درون بسیار پیچیده است زیرا خود همان لحظه که برای تسخیر آن می‌کوشیم، در آنیت آن و از درون، طعمه‌ی اسطوره می‌شود. پس شاید بهترین سلاح این است که خود اسطوره را به نوبه‌ی خود، اسطوره زده/ زدا کنیم. از دل دلالت‌های نه سطحی بلکه ضمنی که تا رسیدن به ایدئولوژی در اثر ادامه یابد. چنان بورژوازی و توده در فلسفه‌ی بارت که در این مجال، پرداختن به آن ممکن نیست. حال فرهادی با اسطوره‌ی خانواده معاصر ایران، ضد اسطوره می‌سازد. با شکل‌دهی بحران و گره کور در روابط کرکترهای خانواده که با گم‌شدگی، آغاز می‌شود.

این موزه دسترسی به بن‌بست‌هایی را فراهم کرده است که نشانگر مسیریابی و باز مسیریابی در خود ما می‌باشند. این معماری، فضایی را به نقاشی‌ها باز می‌کند که نشانگر آمار تلفات شش میلیون انسان نیست؛ بلکه یک انسان است که شش میلیون بار به قتل رسیده است. موزه فلیکس نوس‌بام اشاره به جای دادن خاطره و دوباره جای دادن خاطره می‌شود و از این طریق از ارائه تعریف از قبل تعریف شده و ثابتی از خاطره خودداری می‌کند. در همین زمان مخاطب نیز در داخل این خانه، خاطره‌ای جای داده شده است: جای گرفته در موضعی که باعث می‌شود در موقعیت خودش در رابطه با تاریخ هولوکاست تجدید نظر کند (Libeskiend, 2011).



Museums By daniel-libeskind- archdaily.com

### بینامتن با خانه/خانه‌واده در بحران در خانه ماندن پندمی کرونا

خانواده معاصر ایران پنهان و در هاله و مستور از گم‌شدگی یا گم‌گشتگی است؟ در سفر است یا سیر انفس است؟ هراس، ابهام و تعلیق در روایت جزئیات، حتی بین نگاه دو کودک در مکث و شک در اسرار پنهان و در گذشته مماس بر جدایی دارد بر بدنه تعاملات خانه



و دادگاه در شهر اتفاق می‌افتد. تقابل آدم‌ها در طبقات که هم طبقات اجتماع اند، مستتر است. زن‌ها و دختران پر رنگ‌ترند. گویی آینه وار بودن فیلم‌ها در فراسوی زمان می‌زید.

در قاب /کلوزآپی دیگر در انتقال به ناظر، گویی نقد خودینه است. سکانس پایان ناتمام نقش قاضی برای ببیننده تعریف می‌شود. او این را نمی‌داند. ما هم نمی‌دانیم. یا شاید خودت را قضاوت کن دیگر است.

پندمی کرونا، تعطیلی حضوری نهادهای آموزشی - پژوهشی اعم از کتابخانه‌ها و موسسه‌ها و پژوهشکده‌ها و اختلال در پیش‌بینی بازه زمانی مدت‌نظر برای فیلم بینی جمعی، مباحثات و ثبت اسنادی فیش‌های مطالعاتی مورد نیاز در پژوهش‌ها را موجب شده است. اگرچه این وضعیت بحرانی ناخواسته و عجیب و نا امن در سالهای درخشان ماندن، با رجعت دوباره آدم‌ها به خانه‌ها سبب شده است تا ضرورت پرداخت به مفاهیم مرتبط با طراحی خانه‌ای پذیرا و ایمن، در جهان معماری و هنر و دیگر علوم انسانی با جدیت بیشتری دنبال شود. چه بسا بی‌خانمانی و آواره گی هم به جهان معاصر اضافه شده است. این تحقیق در بسامد چنین راهبردی است.

### نتیجه‌گیری

این مقاله در قیاس با تعدد تحقیقات درون رشته‌ای با اشارت مهم به اهمیت پرداخت‌های میان رشته‌ای است که هر متنی، بینا متن متنی دیگر است. از آنجا که هیچ متنی اصیل نیست. چنان که گاهی بینامتنیت و نشانه‌شناسی بر هم ماس‌اند. سینمای جریان نو با سیاست بازی دادنی استادانه، یک جنبه‌ی خارق العاده برای توالی‌های باز و نوین، می‌آفریند. راوی / فیلمساز می‌گوید برای فیلم دیگر خویش دو سال در فرانسه راه رفته است. زبان آنان را نمی‌فهمیده اما ملودی و موسیقی آن زبان را در یافت نموده است. گرچه پیچیدگی‌های لایه‌های فیلم‌هایش، برگرفته از دید عمیق مولف دارد اما منحصر و محدود به روایت از نگاه او / مولف نیست. زوایای دید، منوط به متن است. متن می‌تواند به مثابه زبان / خانه / موزه / شهر / فرهنگ و هویت تا زنانگی، در آستانه و رفت و آمد باشد. به خوبی می‌توان گفت که مصداق‌های روایتی او نه تنها بسط مفهوم خلا مضامین پیرامون بافتار خانه در سینمای جامعه‌ی ایران امروز است، بلکه وی هم چنان موفق به حفظ یک ماهیت فکری در زیستی جهانی است. گویی پس از هر خلق، در نقش مخاطب خود اثر، به فیلم‌هایش نیز باز می‌گردد. مخاطب نیز با تماشای اثر در قالب متن، گویی دوباره از نو زنده می‌شود. مولف اثر، بسان لایه‌ای از دلالت، راز خود را با ما در میان می‌گذارد. به کمک تاویل‌گر می‌آید و او را رها می‌کند تا این حلقه در تکراری سینماتیک و داینامیک ادامه یابد. لازم به ذکر است که ارجاعی معمارانه از خوانش فیلم بر ذهن نگارنده در موزه‌ی یهود دنیل لیبسکیند نیز به دلیل توالی لایه‌هایش می‌باشد، که در ثانی نفس موزه بودن نیز بالذات و فی نفسه مصداقی دقیق از «در آستانه‌گی» است. و بنا بر همین ناتمامی زنجیره دلالتی پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های ممتد به این جریان از درون نهاد زایای خانه به درون شهر پیوست یابد.

### توضیحات

\*Flâneur اشاره به پرتله‌های شهری مقاله ی فلانور پرسه زن نزد والتر بنیامین-فیلسوف/مترجم دارد.

\*اشارات در متن ارجاع به داستان «درب» و «دیوار» اثر فرانتس کافکا-نویسنده و نیز «پل» نزد جورج زیمل-جامعه شناس دارد.

از مراجع لاتین زیر در واکاوی متن کمک گرفته شده است.

\* [ C usually singular ] the level or point at which you start to experiencesomething, or at which something starts to happen - Cambridge Business English Dictionary © Cambridge University Press

Barthes, Roland (1977), Image-Music-Text, Stephen Heath (trans.), London, Fontana.

Barthes, R. (1972), Mythologies: Roland Barthes, New York: Hill and Wang.





## منابع

فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۹). معماری مدرن ایران (از عصر ساسانیان تا انقلاب مشروطیت ایران). چاپ اول، تهران: نشر فضا.  
کهن، لارنس. (۱۳۹۶). از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم. (ویرایش عبدالکریم رشیدیان). چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی. (۲۰۰۳).

Libeskind, D. (2001). **the space of encounter**. Publisher By Universe.

Moscato, J. N. (2019). Abductive reasoning: A contribution to knowledge creation in education. Cadernos de Pesquisa, 49, 308-329.

### Mythological Rereading of "separation" at home:

#### A Critical Review in Threshold theory

9

- 1-Ph.D. Candidate of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran.  
**corresponding** \*2-Professor of Architecture Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran.  
 3- Associate Professor. Department of Philosophy, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University. Tehran. Iran  
 4- Assistant Professor of Architecture Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran.